

بسم الله الرحمن الرحيم

## جنگ‌های تجاری و خطرهای آن بر اقتصاد جهانی

(ترجمه)



صفحهٔ اینترنتی بی‌بی‌سی-عربی به تاریخ 9 مارچ 2018م با انتشار خبری نوشت: «ترامپ هشدارهای قبلی‌اش را مبنی بر اعمال 25 درصد مالیات گمرکی بالای واردات فولاد و 10 درصد بالای واردات المونیم عملی نمود. ترامپ در این اظهارات گفت: «این اقدام صنعت آمریکا را تقویت خواهد نمود، به ویژه پس از آن‌که آمریکا با اقدامات تجاری غیرعادلانه‌ای دست و پنجه نرم نموده است.» وی افزود: «این گام از امنیت ملی آمریکا حمایت خواهد نمود.»

این اقدام ترامپ با مخالفت شدیدی شماری از سیاست‌مداران در داخل آمریکا حتی برخی از مالکین صنایع؛ مانند صنعت ساخت موتور و طیاره نیز مواجه شده است. در عین حال، این اقدام از جانب شماری از دولت‌ها مانند: چین، اتحادیهٔ اروپا، جاپان و سایر دولت‌های متضرر نیز رد و تقبیح گردید. صندوق جهانی پول و «روبرتو ازیفیدو» مدیرکل سازمان تجارت جهانی نیز عکس‌العمل نشان داده و هشدارهایی را در این زمینه اظهار نموده‌اند. چنان‌چه صفحهٔ بی‌بی‌سی به تاریخ 3 مارچ 2018م در گزارشی چنین نوشت: «سخنگوی صندوق جهانی پول در مورد تصمیم ترامپ در خصوص تجارت هشدار داده و چنین می‌گوید: «این اقدام رئیس‌جمهور آمریکا در قدم نخست به ضرر خود آمریکا بوده و سپس سایر دولت‌ها.» هم‌چنین روبرتو ازیفیدو مدیرکل سازمان تجارت جهانی در زمینه گفت: «بدون شک، جنگ تجاری به نفع هیچ‌جهتی نخواهد بود.»

اینک پرسشی که مطرح می‌گردد که واقعیت این نوع اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی از چه قرار است؟ بدون شک، امریکا در افروختن آتش این نوع جنگ‌ها (جنگ‌های تجارتي)، حیثیت مغز متفکر را داشته و نسبت به سایر دولت‌ها برای افروختن این نوع جنگ‌ها و کشاندن شعله‌های آن به سراسر جهان از امکانات و توانایی‌های برتر و بیشتری بر خوردار است. دلیل آن اینست که امریکا نیروی برتر اقتصادی جهان بوده و پشتوانه پول جهانی (دالر) را در اختیار دارد. در عین حال، امریکا بزرگ‌ترین واردکننده کالا و خدمات جهانی به شمار می‌رود، زیرا بیشترین کالا و خدمات را مصرف می‌کند و بزرگ‌ترین منبع کالا و خدمات نیز به شمار می‌رود، که بیشترین بازارهای خارجی جهانی را نیز در اختیار داشته و دلیل آن همین حکام مزدور و نفوذ سیاسی امریکا در بخش‌های عظیمی از جهان است.

امریکا نیرومندترین قدرت نظامی جهان را در دست داشته و توانایی‌های اقتصادی کافی برای حمایت از این نیروی نظامی، از طریق بحرها و اقیانوس‌ها را نیز در اختیار دارد. یکی از نویسنده‌گان مشهور به نام دیوید گومبرت می‌گوید: «امریکا امکانات و توانایی‌هایی را در اختیار دارد که باعث شده نسبت به سایر دولت‌های جهان پیشتاز باشد، چنان‌چه صاحب 30 درصد سهام کل سرمایه‌گذاری‌ها بیرونی بوده و چهار بانک بزرگ جهان، از مجموع هفت بانک را در اختیار دارد. در عین حال، دالر امریکا اساس معاملات بازارهای جهانی و بانک‌ها به شمار می‌رود. 95 درصد از درآمد رسانه‌های جهان به جیب امریکا سرازیر می‌شود. سه چهارم حصه فروش اسلحه در سراسر جهان به امریکا برمی‌گردد و بیشترین مؤسسات و سازمان‌های جهانی، به شمول سازمان‌هایی را که بالای اقتصاد جهانی تسلط دارند، امریکا رهبری می‌نماید. این امریکا است که بالای بحرها تسلط داشته و صلاحیت منع تردد بحری از آن امریکا می‌باشد. امریکا در تحقیقات و نوآوری‌هایی که جهان را به سوی پیشرفت سوق می‌دهد، نیز جایگاه نخست را داراست.»

اسالیبی را که امریکا در افروختن جنگ‌های اقتصادی به کار می‌برد، متنوع، فراوان و پیوسته در حال تغییر شکل است. چنان‌چه این نخستین بار نیست که امریکا به جنگ‌های اقتصادی جهانی دامن می‌زند؛ طوری که بارها با بلند بردن مکرر نرخ سود در جریان سال‌های گذشته، سایر دولت‌های جهان، به ویژه دولت‌های صنعتی را به چالش کشیده، در حدی که برخی از این دولت‌ها در واکنش مجبور به بلند بردن نرخ سود شدند تا با این کار از سرازیر شدن سرمایه‌های‌شان به داخل امریکا جلوگیری نمایند. هم‌چنین، امریکا اقدام به کارهایی نمود، که از آن به نام (پشتیبانی گمرکی) بر واردات و یا تعرفه گمرکی بر کالاهای مشخصی مانند: تعرفه گمرکی 50 درصد بالای ابزار بزرگ شست و شو، 30 درصد بالای قطعات انرژی آفتابی وارداتی و 22 درصد بالای طیاره‌های کانادایی (بمباردی)، یاد می‌شود. امریکا مصدر برافروختن جنگ بازارهای بورس و افزایش و کاهش قیمت پترول، خلق بحران‌های اقتصادی، طراحی اسناد بزرگ بدون مراقبت و سایر فعالیت‌ها و تسلط‌های اقتصادی نیز به شمار می‌رود، که شعله این جنگ‌ها و بحران‌ها خیلی زود سراسر جهان را در بر گرفته و باعث خسارات هنگفتی می‌شود.

شکی نیست که این سیاست‌های امریکا و سیاست‌های واکنشی سایر دولت‌ها، پیامدهای اقتصادی ناگواری مانند: تأثیرگذاری بالای میزان پروژه‌های صنعتی، که دلیل آن افزایش نرخ سودی است و بالای قرضه‌ها وضع می‌گردد، بالای این دولت‌ها نیز خواهد داشت. هم‌چنین، باعث می‌شود که بهای کالا در داخل این کشورها به سبب افزایش هزینه مواد تولید شده (افزایش نرخ انرژی و مواد خام)

افزایش یابد. این سیاست‌ها پیامدهای بدی بالای جریان‌های تجاری جهانی صادرکننده، حتی بالای آمریکا و یا دولت‌های دیگری که دالر را اساس معاملات خارجی‌شان برگزیده‌اند و دلیل آن افزایش متداوم قیمت دالر است، نیز داشته است.

نزارعریضی یکی از آگاهان استراتژیک شرکت ADS به تاریخ 15 دسامبر 2016م در اظهاراتی به تلویزیون "سکای نیوز" چنین گفت: «بانک مرکزی فدرال آمریکا نرخ سود را در جریان سال 2016م، سه بار افزایش داد و دلیل آن کاهش شاخص‌های فعلی اقتصاد امریکاست.» وی افزود: «قیمت طلا و معادن شاهد کاهش زیادی بوده و قیمت یک بشکه پترول به کمتر از 55 دالر رسید که باعث بروز خسارات بزرگی در بازارهای خلیج و آسیا شد.» صفحه انترنتی الجزیره نیز به تاریخ 16 دسامبر 2016م با نشر گزارشی چنین نوشت: «افزایش نرخ سود توسط بانک مرکزی فدرال آمریکا، مشکلاتی در اقتصاد سایر دولت‌ها به وجود آورده، به ویژه اقتصاد دولت‌های در حال رشد مانند: ترکیه، برازیل و روسیه؛ زیرا تفاوت نرخ سود باعث می‌شود که سرمایه‌های این دولت‌ها، به امید کسب سود بیشتر به جانب آمریکا سرازیر گردد. در عین حال، بار سنگینی قرضه‌های دالری، که بردوش اقتصاد این دولت‌های رو به رشد گذاشته می‌شود، با افزایش نرخ سود در آمریکا پیوسته در حال افزایش است که اقتصاد آن دولت‌ها را به نوبه خود زیر فشار بیشتر قرار می‌دهد.» اهدافی که آمریکا با روی دست گرفتن این سیاست‌ها و به گونه جنگ‌های تجاری و سایر اسالیب به پیش می‌برد، قرار ذیل است:

1- جبران کاستی‌های بودجه تجاری آمریکا: صفحه انترنتی روزنامه "روز جدید" به تاریخ 11 مارچ 2018م در این خصوص زیر عنوان "جنگ‌های تجاری" چنین نوشت: «دلیل افروختن این جنگ‌ها کاهش و عجز بودجه تجاری امریکاست، بودجه‌ای که در جریان سال‌های گذشته پیوسته در حال کاهش بوده، این روند در حال گسترش است. چنان‌چه مجموع بودجه تجاری آمریکا در سال 2017م، 566 میلیارد دالر ثبت گردید، که در حدود 2.9 درصد درآمد داخلی آمریکا را نشان می‌دهد.»

2- تضعیف دشمن‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و وادار نمودن آنان به فرمانبری از سیاست‌های آن و هم‌چنین کاستن از توانایی‌های آنان، در به چالش کشیدن سیاست‌های شریر و سیر ناپذیر آمریکا و به ویژه در هم‌کوبیدن اتحادیه اروپا و چین است.

3- هدف دیگر، محدود ساختن توانایی‌های چین و مزوی کردن آن در محدوده خود و در عین حال وابسته نمودن ساختار اقتصادی چین از نظر واردات، صادرات و پشتوانه پولی به آمریکا است.

4- جلب سرمایه‌های خارجی به داخل آمریکا به هدف افزایش میزان پروژه‌های اقتصادی از طریق بلند بردن نرخ سود بر دالر در بانک‌ها.

5- تسلط بالای بازارهای خارجی از نظر واردات و صادرات و فروش اسلحه و هم‌چنین تسلط بالای بازار نفت و قیمت آن.

بدون شک، موفقیت آمریکا در این سیاست‌ها به معنی این نیست که خودش از خطرهای پیامدهای ناگوار این جنگ‌های شرور جهانی در امان خواهد بود. قطعاً اقتصاد آمریکا به ویژه صنعت داخلی آن، از این جنگ‌ها متضرر و آسیب پذیر شده و بالای میزان بیکاری و استخدام و هم‌چنین صادرات، به دلیل بلند رفتن قیمت کالا و خدمات در این کشور تأثیر گذاشته است. این سیاست‌های خصمانه

بالای قیمت‌های بازارهای جهانی بورس، نیز تأثیر گذاشته و به همین دلیل است که امریکا خود نیز از پیامدهای آن در امان نخواهد بود، زیرا امریکا به دلیل سیاست‌های شروری که دارد، تا هنوز از بحران اقتصادی سال 2008م رنج برده و زخم‌های ناشی از آن هنوز بهبود نیافته، که دلیل آن کاهش بودجه تجارتي می‌باشد.

چنان‌چه بر اساس اظهارات منتشر شده از "دفتر بررسی اقتصادی امریکا"، کاهش بودجه تجاری امریکا در ماه نومبر 2017م به 50.5 میلیارد دالر رسید، که از سال 2012م تا آن زمان، بزرگ‌ترین میزان در این خصوص به شمار می‌رود. انتظار می‌رود، کاهش در بودجه امریکا در سال 2018م تا سقف 702 میلیارد دالر برسد، چنان‌چه میک‌مالفانی مسئول بودجه در قصر سفید در برابر رسانه‌ها چنین گفت: «رشد روند کاهش بودجه در کوتاه‌مدت، بیانگر نیاز شدید به تجدید ساختار مالی ما می‌باشد. در خصوص روابط اقتصادی کشور باید گفت که اگر می‌خواهیم مردم ما در امنیت به سر برده و به آینده روشن امیدوار باشند، باید تغییرات بزرگی را در سیاست‌های خویش روی دست گیریم.»

بدون شک، شرارت این سیاست‌ها، خودخواهی‌ها و رقابت‌های اقتصادی، که شکل جنگ میان دولت‌های بزرگ را به خود گرفته، نه تنها دولت‌های بزرگ را؛ بل تمام بشریت را می‌رنجانند. دلیل آن وابستگی اقتصاد جهانی توسط بازارهای پولی مشترک و تسلط دالر بالای تمام واحدهای پولی جهان است. متأسفانه بیشترین ضرر را دولت‌هایی متحمل می‌شوند که در جهان اسلام حاکمیت می‌کنند، زیرا توان و قایه خویش را در برابر نوسانات و بحران‌های اقتصادی ندارند. دولت‌های جهان اسلام به شدت وابسته به اقتصاد دولت‌های کفار بوده و از هیچ‌گونه امکانات حمایتی برخوردار نیستند و هیچ‌گونه استقلالی در صنعت و حتی زراعت خویش ندارند. به علاوه این‌که این دولت‌ها دالر امریکایی را پشتوانه اساسی واحدهای پولی و ذخایر خویش قرار داده‌اند، نفت و گاز را نیز به دالر معامله می‌کنند.

شکی نیست که این جنگ‌های استعمارگرانه جهانی، تمام جهان را در لبه پرتگاه عمیقی قرار داده که عنقریب در آن سقوط می‌کند و آنگاه ویرانی و هرج و مرجی به بار خواهد آمد، که بشریت در طول تاریخ خویش مثال آن را هرگز تجربه نکرده باشد. هم‌چنین، این بحران باعث خواهد شد برخی دولت‌ها به سبب ویرانی بزرگ اقتصادی که دامنگیر آن‌ها خواهد شد، از نقشه جهان کاملاً محو گردد.

در اخیر باید گفت: تنها یک چیز می‌تواند بشریت را از کام این آتش سوزان بیرون کشیده و آن را در آرامش قرار دهد، و آن پیروی نمودن از نظام اقتصادی الهی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و دور انداختن این ساختار و نظام شرور و ویرانگر حاکم بر سرمایه‌های الهی است. نظام‌های شروری که خود و دیگران را به دلیل فساد که دارد، سخت در گمراهی و سردرگمی قرار داده است. با نظری گذرا و ساده، خواهیم دانست که نمی‌توان از شر نظام شرور سرمایه‌داری نجات یافته و به نظام کامل اقتصادی اسلام دست یافت، مگر در سایه حاکمیت نظام الهی اسلام، نظامی که به گونه درست به فریاد همه رسیده و از دارایی‌های مردم به درستی محافظت نموده و عدالت را به بهترین شکل ممکن در توزیع مال رعایت می‌کند. از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم تا هرچه زودتر بشریت را از شر نظام سیاسی و اقتصادی ظالم حاکم بر جهانیان نجات داده و زمینه آرامش آن در سایه دولت خلافت برمنهج نبوت را فراهم آورد.

نویسنده: احمد طیب

28 مارچ 2018 م

11 رجب 1439ھ.ق